

برخاست و تجربه شخصی اساتید و خبرگان خط‌مشی‌گذاری تعاون روستایی در راستای سیاست‌های اقتصادی

نسرین خدابخشى هفشجانی^{۱*}، زین‌العابدین امینی سابق^۲، مسعود قربان حسینی^۳، احسان ساده^۴

۱- گروه مدیریت، دانشکده علوم انسانی، واحد خلخال، دانشگاه آزاد اسلامی، خلخال، ایران

۲- گروه مدیریت، دانشکده علوم انسانی، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران (مسئول مکاتبات)

۳- گروه مدیریت، دانشکده علوم انسانی، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران

۴- گروه مدیریت، دانشکده علوم انسانی، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران

چکیده

پژوهش حاضر با هدف ارائه یک چارچوب نظری و مدل پارادایمی از برساخت‌های شخصی اساتید و خبرگان خط‌مشی‌گذاری تعاون روستایی کشور به دنبال ارائه نظریه بومی و اعتباریابی آن در بین اساتید و خبرگان خط‌مشی‌گذاری است. نمونه آماری در بخش کیفی از ۲۰ نفر از اساتید و خبرگان خط‌مشی‌گذاری تعاون روستایی هستند که مورد مصاحبه واقع شده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که چارچوب نظری کشف شده حاصل از این پژوهش مطرح می‌کند که اساتید و خبرگان خط‌مشی‌گذاری تعاون روستایی کشور قابلیت‌ها و پتانسیل‌های بالایی برای تبیین اجرای موفق خط‌مشی‌های تعاون روستایی در راستای اقتصاد مقاومتی داشته‌اند و از نظر آنان «اجرای موفق خط‌مشی‌گذاری تعاون روستایی در بستر پیش‌بینی ابزارهای اجرا و فرهنگ‌سازی، با درگیر کردن ذی‌نفعان عمومی و مجریان، ضمن تسهیم آنان در مشارکتی همه

جانبه با استراتژی‌هایی چون بهینه‌سازی اقتصاد و توسعه منابع روستایی همسو و همگرا، به توسعه تعاون روستایی بر پایه توانمندی بومی و خودکفایی منجر می‌شود^۱ و اساساً سطح تعیین‌کنندگی اجرای موفق خط‌مش‌های تعاون روستایی در راستای اقتصاد مقاومتی منوط به مولفه‌های کشف شده در مدل است.

واژه‌های کلیدی: الگوی بومی، اساتید و خبرگان خط‌مش‌گذاری، تعاون روستایی، اقتصاد مقاومتی.

مقدمه و بیان مساله

مرحله اجرا یکی از مهمترین و پرچالش‌ترین مراحل فرایند خط‌مشی‌گذاری است (فلاح و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۰۳) و اجرا به عنوان یکی از مراحل اصلی خط‌مشی‌گذاری عمومی از سال ۱۹۷۰ به بعد مورد توجه خاص محققان و نظریه‌پردازان خط‌مشی قرار گرفت (عباسی و همکاران، ۱۳۹۵: ۴۹). خط‌مشی‌های عمومی در دو بعد ملی و محلی قابلیت اجرایی دارند، هرچند دارای محتویات متفاوتی هستند. در بعد ملی این خط‌مشی متوجه سیاست‌های کلان و در بعد محلی معمولاً سیاست‌های خردتری را دنبال می‌کنند، هرچند برخی از سیاست‌های کلان نیز در حوزه‌های محلی قابل پیگیری هستند. موفقیت اجرا خط‌مشی‌های عمومی در بعد ملی و محلی بستگی به حضور بازیگران یا مجریان متعهد و آگاه دارد و رهبری بهتر و پایدار و نهادهای سیاسی کارآمد، در اجرای خط‌مشی‌های ملی و محلی موفق عمل خواهند کرد (جانسون^۱ و همکاران، ۲۰۱۱: ۲۲۵). یکی از خط‌مش‌های مهم کشور در ارتباط با تعاون روستایی است که به دلیل اجرای ناقص آنها، عملاً تعاون روستایی در کشور جایگاه مناسبی ندارد. البته در مواردی باید گفت تعاون روستایی یک نهاد موفق داخلی بوده است که سال‌ها توانسته بسیاری از مسایل روستایی را حل و فصل کند. تعاونی‌های روستایی وظایفی چون؛ اعتبارات روستایی، تهیه و توزیع کالاهای مصرفی، خرید و فروش محصولات کشاورزی، خدمات فنی و کشاورزی و صنایع تولیدی و تبدیلی دارند که اصولاً برای توسعه، رفاه و ارتقای سطح زندگی روستاییان به وجود آمده است. متأسفانه امروز با نگاهی عمیق به کارایی و

اثربخشی شرکت‌های تعاونی روستایی و مقایسه آنها با سنوات گذشته به نظر می‌رسد، به رغم اینکه این شرکت‌ها فعالیت‌های ارزشمندی داشته‌اند، ولی با توجه به گذشت چندین سال از تشکیل آنها، تغییرات قابل توجهی در نحوه خدمات‌رسانی و ساختار آنها انجام نشده است و اگر تغییراتی هم صورت پذیرفته، از پیشرفته و توسعه قابل توجهی برخوردار نیست (قره‌قول، ۱۳۹۱: ۱۰۲). بنابراین هر چند مقوله‌های مانند تعاون روستایی و مشارکت، پیشینه‌ای طولانی در کشور دارند، اما خط‌مشی‌گذاری‌های عمومی نهادهایی چون تعاون روستایی اجرای موفقیت‌آمیزی را تجربه نکرده‌اند. امروزه تعاون اهرم مناسبی برای توسعه اقتصادی و اجتماعی به شمار می‌رود که می‌تواند در بهره‌وری بهینه از شرایط زندگی، کار، تولید و ارتقای سطح درآمد و وضعیت اجتماعی جامعه موثر باشد (محمدی و همکارانش، ۱۳۹۳: ۱). آغاز توجه به تعاونی با درج موادی در قانون تجارت در سال ۱۳۰۳ رسمیت یافت. از لحاظ تشکیل و ثبت تعاونی‌ها، نخستین شرکت تعاونی روستایی در سال ۱۳۱۴ در منطقه داورآباد شهرستان گرمسار تشکیل شد (همتی‌راد، ۱۳۹۳: ۳۸). با وجود پیشینه درخشان تعاونی‌های گوناگون در ایران، خط‌مشی‌گذاری این نهادها به توسعه اشتغال و افزایش بهره‌وری منجر نشده است و امروزه حجم بالایی از تعاونی‌های موجود غیر فعال یا منحل شده‌اند. بنابراین ریشه این مشکلات و بسیاری مسایل دیگر را باید در مسایل ناشی از اجرای آنها دید و این عوامل مربوط به ضعف ساختار اجرایی است و شامل نبود استقلال نسبی در ارکان اجرایی؛ مشخص نبودن وظایف و مسئولیت‌ها؛ کمبود ارتباطات؛ و نبود نظام ارزیابی عملکرد است (رجب‌بیگی، ۱۳۷۸: ۷۳). همچنین در حوزه مدیریت، برای بقا روش‌هایی برای اجرای بهتر خط‌مشی‌ها نیاز است که از طریق اندازه‌گیری اثرات مخدوش آنها را کاهش داد (کنبک^۱ و همکاران، ۲۰۱۶: ۱۵۵).

بنابراین به کارگیری مدلی مناسب و کارآبرای اجرای خط‌مشی‌گذاری می‌تواند تعاون روستایی را از مسایلی که امروز گرفتار آن شده نجات دهد و با اجرا بهتر و عملی‌تر خط‌مشی‌های موجود بتوان تعاون روستایی توسعه داد که نتیجه آن رشد و شکوفایی اقتصادی و تعالی در راستای اقتصاد مقاومتی خواهد بود. بنابراین کشور با وجود داشتن تعداد زیادی تعاونی به ویژه در حوزه تعاون روستایی، هنوز شاهد توسعه‌ای فراخور نبوده است و به

نظر می‌رسد که اجرای این خط‌مش‌ها عملاً با مشکل مواجه بوده و چشم‌اندازها و اهداف تعاون روستایی به خوبی محقق نشده است. در همین راستا این پژوهش در نظر دارد به روش کیفی الگویی بومی برای اجرای موفق خط‌مشی‌گذاری تعاون روستایی در راستای اقتصاد مقاومتی به روش گراند تئوری یا داده‌مبنا^۱ با مصاحبه از اساتید و خبرگان خط‌مشی‌گذاری تعاون روستایی ارایه نماید.

اهداف پژوهش

- هدف کلی

هدف اصلی این مطالعه، کاوش فرآیندهای مدیریتی منجر به طراحی مدلی برای اجرای خط‌مشی‌گذاری تعاون روستایی در راستای اقتصاد مقاومتی است.

- اهداف ویژه

- شناخت فهم اساتید و خبرگان خط‌مشی‌گذاری تعاون روستایی برای اجرای موفق خط‌مشی‌گذاری تعاون روستایی در راستای اقتصاد مقاومتی
- کشف مدل پارادیمی و ماتریس پیامد/ علی اجرای موفق خط‌مشی‌گذاری تعاون روستایی در راستای اقتصاد مقاومتی به روش نظریه داده‌مبنا

ادبیات نظری و پیشینه پژوهش

اجرای خط‌مشی‌گذاری

انتخاب ابزار مناسب برای اجرا یکی از مهمترین گام‌های توفیق سیاست‌ها و خط‌مشی‌های عمومی محسوب می‌شود. در صورتی که سیاست‌گذاران در زمان تدوین خط‌مشی به شیوه‌های اجرای مناسب بیاندیشند، مسلماً خط‌مشی‌های مصوب در اجرا دچار مشکل نخواهد شد (الوانی، ۱۳۸۷: ۱۱). رابطه بین خط‌مشی و اجرا رابطه‌ای سیاسی است که فرایندهای سیاسی در سراسر مرحله اجرا تداوم پیدا می‌کند. این رویکرد پیشنهاد می‌کند که مشکل بتوان تا اجرا را از تدوین خط‌مشی جدا کرد. سپس قاعده خاصی در بین برخی اندیشمندان وجود دارد که معتقد

است اگر اجرا را به صورت انجام چیزی تعریف شود، آنگاه، عملکرد بجای پیروی از تدوین، هدف اصلی خواهد بود و مصالحه ابزار نیل به آن هدف است. این در حالی است که مصالحه را نوعی شکست در اجرای خط مشی به حساب می‌آید (هال^۱، ۲۰۰۲: ۵۶).

تعاون روستایی

از جمله اهداف از تشکیل تعاونی‌ها روستایی تجمیع سرمایه‌ها، تأمین نهاده‌های مشترک کشاورزی به صورت عمده و استفاده از تخفیف در خرید آن و هماهنگی و هم افزایی در بازار یابی و فروش محصولات کشاورزی است؛ به طوری که بیشترین سود به کشاورزان که زحمت اصلی تولید محصول را برعهده دارند، برسد. متولی دولتی تعاونی‌های روستایی در ایران سازمان تعاون روستایی است که رئیس آن معاون وزیر جهاد کشاورزی است (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۳: ۱۳۴). تعاونی‌های روستایی از طریق درگیر شدن فعال اعضا در سیاست‌گذاری‌ها و تعیین خط مشی‌ها و برنامه‌ها، همچنین نظارت بر اجرای فعالیت‌ها معنا پیدا می‌کند. متناسب با اصول و ارزش‌های تعاون، نقش اعضا در تصمیم‌گیری‌های تعاونی‌ها برجسته و تعیین‌کننده است. کنار گذاشتن اعضا از فرآیند تصمیم‌گیری به معنی محروم نمودن تعاونی‌ها از پشتوانه عظیم خرد جمعی و حمایت ملی و معنوی اعضا از تعاونی است کاهش مشارکت بی‌تفاوتی و بی‌اعتمادی اعضا را به همراه دارد که موجب صدمه اساسی به سرمایه اجتماعی تعاونی می‌شود (وزارت تعاون، ۱۳۸۴).

اجرای خط مشی

اجرای خط مشی، به اعمالی گفته می‌شود که توسط افراد یا گروه‌های اجتماعی و یا اداری برای دستیابی به اهداف مندرج در بیانیه خط‌مشی و مذاکرات قبل از تصویب دارد. به طور کلی، فعالیت‌های مرتبط با اجرای خط‌مشی عبارتند از؛ شناسایی مجریان، تعیین حدود مسئولیت‌ها و اختیارات مجریان، توزیع منابع و سایر اقدامات پشتیبانی، نظارت بر فعالیت‌های مجریان. در نگاه اول تصور می‌شود فعالیت‌های اجرا، پس از تصویب خط‌مشی به طور خودکار و پیوسته از طریق موسسات دولتی و اقتدار خط‌مشی‌گذاری، به سادگی پیاده می‌شوند (دانشفرد، ۱۳۹۳:

۲۴). همچنین بعد از آنکه یک مسأله در دستور کار قرار می‌گیرد، بعد از طرح انتخاب‌های گوناگون و گزینش یکی از آنها، آنچه در نهایت باید انجام شود، اجرای آن تصمیم است، این مرحله را اجرای خط مشی می‌نامند (الوانی و شریف‌زاده، ۱۳۹۳: ۱۷۰).

در حالی که اجرا نه ساده است و نه خودکار؛ اغلب بین تصویب قوانین و مقررات و به کارگیری آنها شکاف بزرگی قرار دارد. این شکاف از طریق خط‌مشی‌گذاران ممکن است بزرگتر و ژرفتر شود. منکینز و استیل (۲۰۰۵)، برای پر کردن شکاف میان طراحی و اجرای خط‌مشی‌ها به چند راهکار در پژوهش خود رسیده‌اند؛ ساده نگه داشتن خط‌مشی، واقع‌گرا بودن خط‌مشی، مذاکره پیرامون مسأله اصلی، به کارگیری جدی خط‌مشی، توسعه ارتباطات، تخصیص درست منابع، بیان شفاف خط‌مشی‌ها و اولویت‌ها، نظارت مستمر اجرا و ایجاد ظرفیت‌های جدید اجرا (دانشفرد، ۱۳۹۳: ۲۴). اجرا در مراحل آخر فرآیند خط‌مشی‌گذاری قرار دارد که معمولاً کمتر دیده می‌شود و اغلب مورد غفلت واقع شده و با کم توجهی مواجه می‌شود. بعضی از نویسندگان با اغماض و کم دقتی بیان می‌کنند که تصمیم‌های خط‌مشی عمومی توسط بوروکرات‌ها و کارمندان صافی به صورت خودکار اجرا می‌شود. در حالی که، واقعیت این است که مقامات رسمی، اجرای خط‌مشی‌ها را از طریق سازمان‌های مناسب دولتی و غیر دولتی انجام می‌دهند (دانشفرد، ۱۳۹۳: ۲۵).

از طرفی دیگر اجرا تعامل بین هدف‌گذاری و اعمال و اقداماتی که در جهت حصول به آنها طرح ریزی شده، است. همچنین اجرا قدرت و توان ایجاد پیوندهای متوالی در زنجیره روابط علی به صورتی که نتایج مطلوب به دست آید، است. اجرا به عنوان یک فرایند تعاملی بین آنچه شخص خواهان آن است و روش‌هایی که دستیابی به آن ممکن است تلقی می‌شود به بیان دیگر مفهوم ما از اجرا فعالیت‌هایی است که به طور مستقیم خط‌مشی را به انجام می‌رساند. دو دسته از فعالیت‌ها قابل توجه‌اند که شامل تفسیر و سازماندهی است. تفسیر ترجمان زبان و نوشتار خط‌مشی به سوی جهت‌گیری‌های قابل قبول است. سازماندهی ایجاد واحدها و روش‌های انجام و اجرای خط‌مشی مورد نظر است (هاولت، ۱۳۸۰؛ الوانی و شریف‌زاده، ۱۳۹۳: ۱۷۰).

عوامل موثر بر اجرای خط‌مشی

طبیعت مسائل بر اجرای برنامه‌هایی که برای مواجهه با آنها طراحی شده‌اند، به شیوه‌های مختلف اثر می‌گذارد (هاولت و رامنش، ۱۳۸۰: ۲۸۳ - ۲۸۵). نخست، تصمیمات خط‌مشی دشواری‌های فنی مختلفی را در جریان اجرا پدید می‌آورد که برخی از آنها نسبت به دیگران بیشتر بر یکدیگر تاثیر متقابل دارند (توماس^۱، ۲۰۰۲). اجرای برخی از برنامه‌ها می‌تواند بسیار ساده باشد برای مثال، می‌توان از بستن یک مرکز تفریحی ناسالم و باز کردن یک موسسه آموزشی در کنار آن نام برد. اما خط‌مشی ارتقاء سطح علمی نظام آموزش عالی، ممکن است به لحاظ پیچیدگی، تازگی یا برخورداری از طبیعت مستقل و نیز تداخل آنها با سایر تصمیمات یا وابستگی اجرای آن به اجرای سایر خط‌مشی‌های دولت، از نظر عملیاتی با مانع روبرو شوند. دوم، تعدد اهداف مسائل در برنامه‌های دولت ممکن است اجرای آنها را یا دشواری همراه سازد. (فایلد^۲، ۲۰۰۶) مسائل عمومی از جمله افت تحصیلی در آموزش عالی، علل فراوانی دارد و طبیعی است که برنامه‌های طراحی شده برای رفع یک یا چند علت نتوانند اهداف مورد نظر را به طور کامل تامین کنند. از طرف دیگر می‌توان سرعت زیاد رانندگی در شهرها را مثال زد که ریشه‌های ساده‌تری دارند و در نتیجه، می‌توان با آنها ساده‌تر برخورد کرد. سوم، ابعاد گروه هدف نیز عامل دیگری است. تا آنجا که هر چه گروه هدف وسیع‌تر و متنوع‌تر باشد، اثر گذاری بر رفتار اعضا به نحو مطلوب، دشوارتر خواهد بود. خط‌مشی‌های آموزش عالی عمدتاً دارای خصیصه مذکور هستند. بنابراین اجرای آنها با مشکلات زیادی همراه است (هیل، ۲۰۰۲).

همچنین میزان تغییر رفتاری که خط‌مشی در نظر دارد، در گروه هدف ایجاد کند و تعیین کننده میان مشکلاتی است که در اجرا پدید خواهند آمد (فایلد، ۲۰۰۶: ۲۹۳). خط‌مشی تنظیم برای رفع بدینی دانشجویان در زمینه اشتغال پس از دوره تحصیلی از نظر اجرایی بسیار مشکل است. در حالی که اجرای خط‌مشی افزایش تعداد پذیرش دانشجویان در دانشگاهها بسیار آسانتر است. زیرا تقریباً نیازی به تغییر رفتار آنها ندارد. علاوه بر طبیعت مسئله مورد نظر در

1. Tomas
2. Field

اجرای خط مشی، زمینه های اجتماعی، اقتصادی، فنی و سیاسی نیز بر اجرا اثر می گذارند. نخست، دگرگونی در اوضاع اجتماعی می تواند بر درک ما از مسئله و در نتیجه، شیوه اجرای برنامه تاثیر گذارد، به همین دلیل، بسیاری از مشکلات اجرای برنامه های آموزش عالی در کشور از این حقیقت ناشی می شود که در آنها، رشد روز افزون جمعیت تحصیلکرده جوان و نرخ رشد بالای بیکاری که هزینه سنگینی بر بودجه عمومی تحمیل می کند، در نظر گرفته نشده است (بوردا، ۲۰۰۴).

دوم، تغییرات اوضاع اجتماعی تاثیر مشابهی برای اجرای خط مشی ها می گذارد. برای نمونه برنامه ای که اهداف آن را افراد فقیر بیکار تشکیل می دهند، ممکن است پس از افت و خیزهای اقتصادی دستخوش تغییر شود. اوضاع اقتصادی بر حسب منطقه نیز تغییر می کنند و لذا انعطاف پذیری و اختیارات اجرایی بیشتری لازم دارند. سوم، دسترسی به فن اوربهای جدید نیز می تواند باعث دگرگونیهایی در خط مشی شود. برای مثال خط مشی های نظارت بر الودگی هوا با کشف فن اوربهای اثر بخش یا ارزانتر، اغلب در جریان اجرا تغییر می کنند. چهارم، تغییرات اوضاع و احوال سیاسی نیز بر اجرای خط مشی موثرند. تعویض دولت ممکن است، بدون آنکه در خود خط مشی تغییری ایجاد کند، شیوه اجرای آن را دگرگون سازد (هاولت و رامش، ۱۳۸۰).

عباسی و همکارانش (۱۳۹۵) در پژوهشی با «بررسی موانع اجرای خط مشی های عمومی در سازمان های دولتی» به تحلیل خط مشی گذاری عمومی پرداخته اند. بر اساس نتایج این پژوهش خط مشی گذاری عمومی در یک فرآیند ساده شامل سه مرحله اصلی تدوین، اجرا و ارزیابی می گردد. اجرا به عنوان یکی از مراحل اصلی خط مشی گذاری عمومی از سال ۱۹۷۰ به بعد مورد توجه خاص محققان و نظریه پردازان خط مشی قرار گرفت. در مسیر اجرای کامل خط مشی، عوامل بازدارنده و تنگناهای زیادی وجود دارند که شناسایی عمده ترین آنها به منظور کارآمد کردن اجرای خط مشی از اهداف اصلی این تحقیق بوده است. این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و با توجه به ماهیت داده ها، توصیفی و پیمایشی است. در این تحقیق با توجه

به پژوهش‌های انجام شده شاخص‌های مورد نظر شناسایی و از بین سازمان‌های دولتی، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی به دلیل در دسترس بودن انتخاب شد، و موانع اجرای خط‌مشی‌های این بخش در کشور مورد بررسی و مطالعه میدانی قرار گرفت و بر اساس شاخص‌های تدوین شده، پرسشنامه تحقیق طراحی و بین اعضاء نمونه آماری که شامل ۳۰۶ نفر می‌شد، توزیع گردید. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که الگوی مفهومی تحقیق با داده‌های گردآوری شده سازگاری و تناسب دارد و مشکلات مربوط به تدوین کنندگان خط‌مشی، مجریان و استفاده کنندگان، ماهیت خط‌مشی، سازمان مجری، انواع کنش‌ها و گروه‌های فشار و محیط با اجرای خط‌مشی در وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی رابطه دارند.

نکویی‌نائینی و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «بررسی تأثیر مشارکت اجتماعی جامعه روستایی بر موفقیت تعاونی‌های تولید روستایی: مطالعه موردی شهرستان اصفهان» رمز موفقیت تعاونی‌ها را مشارکت اعضا در مدیریت آنها عنوان کرده‌اند؛ در تعاونی‌های روستایی، به دلیل ماهیت ویژه و اتکای اداره تعاونی بر خواست اعضا و نقش آنها در جهت‌گیری‌های شرکت، مشارکت اعضا از اهمیت بیشتری برخوردار است. هدف کلی این پژوهش تأثیر مشارکت اجتماعی کشاورزان عضو بر موفقیت تعاونی‌های نوزده‌گانه تولید روستایی شهرستان اصفهان است. جامعه آماری تحقیق همه این شرکت‌ها را دربرمی‌گیرد و گردآوری داده‌های پژوهش از کلیه مدیران شرکت‌های تعاونی روستایی شهرستان و ۲۶۰ نفر از اعضای آنها به روش نمونه‌گیری نظام‌مند تصادفی انجام شده است. یافته‌ها نشان داد که مشارکت اعضا در مدیریت تعاونی‌های تولید روستایی در حد متوسط است؛ همچنین، ضریب همبستگی چندگانه نشان‌دهنده رابطه قوی بین متغیر مشارکت اجتماعی اعضا و متغیر موفقیت بوده و از این رو، تأثیر مشارکت اعضا در موفقیت تعاونی‌ها کاملاً قابل توجه ارزیابی شده است.

هانگ^۱ و همکارانش (۲۰۱۷) در پژوهشی با عنوان «درس‌هایی از اجرای خط‌مشی‌های سازمانی در حوزه دسترسی عمومی به آزمایش‌های بالینی» به تحلیل موانع و راهکارهای اجرای خط‌مشی‌های حوزه سلامت پرداخته‌اند. بر اساس خط‌مشی‌های ارایه شده ایالت متحده در حوزه بهداشت سیاست‌هایی در رابطه با اشتراک‌گذاری نتایج آزمایش‌های بالینی برای توسعه

بهداشت تدوین شده که برای اجرای این خط‌مشی‌ها شرکت‌های داروسازی و درمانی با هدف افزایش شفافیت از آزمایشات خود و دسترسی به اطلاعات خام با چالش‌های مختلفی مواجه هستند. بر اساس نتایج حاصله مهمترین چالش‌هایی که در اجرای این خط‌مشی‌ها وجود دارد، عوامل فرهنگی هستند که برای غلبه بر این چالش‌ها نیازمند تعهدات فعال همه سرمایه‌گذاران این حوزه، محققان و پژوهشگران بوده که با اشتراک‌گذاری منابع آنها زمینه‌های موفقیت اجرای خط‌مشی‌ها فراهم می‌شود.

وو^۱ و همکارانش (۲۰۱۷) در پژوهشی با عنوان «یک شکاف ذهنی از موانع و محدودیت‌های اجرای خط‌مشی‌گذاری‌های انرژی در مقیاس محلی در مناطق روستایی چین» به بررسی روندهای اجرای کامل خط‌مشی‌های روستایی پرداخته‌اند. با توجه به نگرانی‌های زیست‌محیطی مرتبط با مصرف سوخت‌های فسیلی در مناطق روستایی، خط‌مشی‌هایی برای حمایت از مصرف انرژی تجدیدپذیر تدوین شده است. بر اساس این سیاست‌ها دولت مرکزی چین باید یک‌گذار به سمت مصرف پایدار انرژی ایجاد و با اجرا و ارزیابی این خط‌مشی‌ها بتواند در آینده بخش اعظمی از مصرف انرژی را از فسیلی به سمت انرژی‌های پایدارتر سوق دهد. بنابراین این مقاله به بررسی خط‌مشی‌های دولت چین در بهره‌وری انرژی به روش تجربی پرداخته است. در گام اول شناسایی خط‌مشی‌ها انجام گرفته و سپس ارزیابی کلی آنها نشان داده است که بهره‌وری انرژی در مناطق روستایی چین متفاوت از مناطق شهری بوده است، چرا که مقامات محلی خود مانع مهمی در اجرای خط‌مشی‌های کلی مصرف انرژی هستند و نهایتاً این موانع محلی عملکرد کلی نظام و دولت مرکزی را در دستیابی به اهداف بلندمدت تحت تاثیر قرار داده و عواقب نامطلوبی را در چشم‌انداز این کشور ترسیم می‌کنند.

روش پژوهش

روش این پژوهش با توجه به هدف پژوهش از نوع تفسیری است. چگونگی تحلیل داده‌ها در تحقیقات تفسیری، بر اساس رهیافت‌هایی مرتبط با این تحقیقات انجام می‌شود. یکی از مهمترین رهیافت‌ها روش کیفی است و قصد محقق می‌تواند کشف موضوع تحقیق با نظر مشارکت‌کنندگان در تحقیق باشد. روش کیفی مورد استفاده در این پژوهش روش گراندد تئوری یا روش داده‌بنیاد است. پس محقق در ابتدا با انجام مصاحبه‌های عمیق در میان ۲۰ نفر از اساتید و خبرگان خط‌مشی‌گذاری به تدوین الگوی بومی پرداخته است. جامعه آماری این تحقیق شامل خبرگان، اساتید دانشگاه هستند که به صورت هدفمند به عنوان جامعه آماری انتخاب شده‌اند. جمع‌آوری اطلاعات با استفاده از مصاحبه‌های عمیق انجام شده و تکنیک عمده مورد استفاده برای جمع‌آوری داده‌های کیفی، مصاحبه عمیق است. فرآیند تفسیر و تحلیل مصاحبه‌ها در بخش کیفی با توجه به روش کدگذاری انجام می‌گردد و محقق در ابتدا با انجام مصاحبه‌های عمیق از اساتید و خبرگان خط‌مشی‌گذاری تعاون روستایی کشور به تدوین الگوی بومی اجرای موفق خط‌مشی‌های تعاون روستایی در راستای اقتصاد مقاومتی پرداخته است. انتخاب مشارکت‌کنندگان در پژوهش کیفی با هدف دستیابی به بیشترین اطلاعات در مورد پدیده مورد بررسی انجام می‌شود و از این رو اساتید و خبرگان خط‌مشی‌گذاری تعاون روستایی کشور دارای بیشترین اطلاعات در این حوزه هستند. روش نمونه‌گیری نیز نمونه‌گیری نظری است و در نمونه‌گیری نظری انتخاب نمونه‌ها با توجه به تحلیل داده‌های گردآوری شده پیشین شناسایی می‌شود. باگذشت زمان به عمق و تمرکز نمونه‌گیری افزوده می‌شود، زیرا در مراحل اولیه، بیشتر کشف مفاهیم و مقولات تازه و در مراحل بعد، عمق و غنا بخشیدن به این مقولات، مدنظر قرار می‌گیرند. نمونه‌گیری زمانی به پایان می‌رسد که محقق به اشباع نظری رسیده باشد و اشباع نظری، زمانی حاصل می‌شود که داده‌های اضافی، کمکی به تکمیل و مشخص کردن یک مقوله نظری نمی‌کنند و نمونه‌ها از آن پس مشابه به نظر می‌رسند. بنابراین نمونه‌گیری از اساتید و خبرگان خط‌مشی‌گذاری تعاون روستایی کشور تا جایی ادامه یافت که محقق به این نتیجه رسید همه اساتید و خبرگان خط‌مشی‌گذاری تعاون روستایی کشور نظر واحدی در ارتباط با اجرای موفق خط‌مشی‌های تعاون روستایی در راستای اقتصاد مقاومتی

دارند.

یافته‌های پژوهش

در این پژوهش به منظور آگاهی از ذهنیت اساتید و خبرگان خط‌مش گذاری تعاون روستایی کشور از اجرای موفق خط‌مش‌های تعاون روستایی در راستای اقتصاد مقاومتی از یک رویکرد کیفی استفاده شده است. مدل ارزیابی شده در این پژوهش حاصل تحلیل عمیق ۲۰ مصاحبه از اساتید و خبرگان خط‌مش گذاری تعاون روستایی در کشور است که در فرایند مدیریتی تعاون روستایی استان‌ها و کل کشور درگیر هستند. نتایج تحلیل داده‌ها بر اساس مراحل سه‌گانه کدگذاری ارزیابی شد و در مرحله کدگذاری باز، بیش از ۲۱۰ مفهوم و گزاره معنادار استخراج شد که این مقوله‌ها در مصاحبه‌ها بیرون کشیده شده و برای مراحل سه‌گانه کدگذاری به کار گرفته شده‌اند. لازم به ذکر است تمام مراحل استخراج تئوری و فرایند کدگذاری به صورت دستی انجام شده است؛ به این صورت که متن مصاحبه‌ها به دقت بارها خوانده شده و کدها و گزاره‌ها از آن استخراج شده است. در مرحله بعد ۱۳۱ مفاهیم متناظر از تعداد ۲۱۰ گزاره‌های معنادار کلی موجود در متن مصاحبه‌ها استخراج شد. این مقوله‌ها دارای ارتباط مفهومی با همدیگر هستند و به راحتی می‌توان آنها را دسته‌بندی کرد و در مرحله کدگذاری باز ۲۷ خرده مقوله از مفاهیم متناظر بیرون کشیده شده است. پس از بررسی دقیق‌تر و پیوند بین مفاهیم خرده مقولات، ۱۲ مقوله محوری به دست آمد که این مقولات عبارت از: پیش‌بینی ابزاری در اجرا، فرهنگ‌سازی، توانمندی بومی، مشارکت فعال، توجیه ذی‌نفعان عمومی، اتکای به خود، بازخوردهای مثبت، بهینه‌سازی اقتصاد روستایی، توسعه منابع، همسویی منافع عمومی و فردی، توسعه روستایی و خودکفایی است. با انتزاع بیشتر این مقولات در مرحله کدگذاری گزینشی، یک مقوله هسته‌ای به شرح «اجرای موفق خط‌مشی گذاری تعاون روستایی در بستر پیش‌بینی ابزارهای اجرا و فرهنگ‌سازی، با درگیر کردن ذی‌نفعان عمومی و مجریان، ضمن تسهیم آنان در مشارکتی همه‌جانبه با استراتژی‌هایی چون بهینه‌سازی اقتصاد و توسعه منابع روستایی همسو و همگرا، به توسعه تعاون روستایی بر پایه توانمندی بومی و خودکفایی منجر می‌شود» ظاهر شد که بتواند تمامی مقولات دیگر را تحت پوشش قرار بدهد. جدول زیر نتایج تحلیل داده‌ها

را در مراحل سه گانه کدگذاری نشان می‌دهد. پس از طرح مقولات، مقوله هسته‌ای و نهایتاً مدل پارادایمی به تصویر کشیده می‌شود.

جدول ۱- خروجی مراحل سه گانه کدگذاری باز، محوری و گزینشی

مقولات محوری	خرده مقولات	مفاهیم متناظر
پیش‌بینی ابزاری در اجرا	سهولت اجرایی	ویژگی‌های خط‌مشی خوب این است که مفید بودن در عمل و سادگی در اجراست. سازماندهی برای خط‌مشی‌گذاری تعاون روستایی. یک خط‌مشی خوب قابلیت اجرایی قریب‌الوقوعی دارد. داشتن قابلیت اجرایی. عدم پیچیدگی
	وجود امکانات و زیرساخت	توسعه آموزش. داشتن اطلاعات عمومی لازم برای انجام فعالیت اقتصادی مانند خرید و فروش، تولید، بازار. آموزش اجباری مجریان خط‌مشی. اجرای برنامه‌های آموزشی متناسب. گام نخست در برنامه ریزی خط‌مشی‌گذاری تعاون روستایی شناخت مسائل خاص منطقه است. توجه به آموزش
فرهنگ‌سازی	توسعه خواهی همگانی	داشتن اعتماد به نفس و خودباوری. داشتن توان تصمیم‌گیری با توجه به شرایط مکانی و زمانی. داشتن صبر و استقامت لازم برای مقاومت در برابر مشکلات. داشتن روحیه سخت‌کوشی و همکاری مردمی برای تحقق اهداف
	همسویی با بستر فرهنگی	فرهنگ‌سازی در راستای تولید. توجه به قابلیت‌های فرهنگی مردم. شناخت روحیات فرهنگی. عدم تناقض سیاست‌ها با فرهنگ جامعه
	توسعه فرهنگ تعاون	گسترده‌گی تعاون روستایی. عمومیت تعاون یک‌مزیت است. ارتقای فرهنگ کار روستایان. تقویت روحیه مسئولیت‌پذیری. جذب فارغ‌التحصیلان کشاورزی در تعاونی‌های روستایی
توانمندی بومی	تولید بومی	خریدهای تضمینی برای رفع نگرانی‌های کشاورزان. اصلاح الگوی مصرف و تولید. تاکید بر قابلیت‌های تولیدی منطقه. سرمایه‌گذاری بر تولیدات کشاورزی. توسعه تولیدات موجود
	سودآوری عمومی	توسعه از طریق کشاورزی. ارتقای کیفیت زندگی روستاییان. افزایش سوددهی از طریق تولید. ارتقای کیفیت محصولات با روش‌های علمی
مشارکت فعال	درگیری ذهنی و عاطفی	همکاری و تعامل با موسسات تعاونی. کشاورزی کاربر، درهم‌تنیدگی اندیشه و عمل کارگزاران اجرایی. همفکری مجریان با روستایان. سازماندهی مشارکت مردم در امر توسعه روستایی
	جلب همکاری فعال	گسترش و اجرای برنامه‌های کاربردی فناوری ارتباطات و اطلاعات. همکاری و مشارکت. تسهیل و تشویق همکاری جمعی. نهادینه کردن مشارکت در جوامع روستایی.

		جلب مشارکت مردمی در برنامه ریزی‌های گوناگون
توجه ذی‌نفعان عمومی	شفافیت منافع عمومی	جلب همکاری رسانه‌های جمعی. افزایش آگاهی عمومی نسبت به اصول و ارزش‌های تعاون. آگاهی بخشی از اجرای موفق خط‌مشی‌ها. برگزاری دوره‌های آموزشی عمومی
	مقبولیت‌بخشی	توجه نقش تعاون روستایی در تحقق عدالت اجتماعی. اولویت دادن به مردم. پیشتازی اقتصاد دانش‌بینان. لزوم توجه به پیشرفت توأم با عدالت. تعریف خط‌مشی به عنوان یک الگوی کارآمد. دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز بیست ساله
اتکای به خود	استقلال مالی	حمایت از تولیدات داخلی و ملی. تأمین رشد پویا و بهبود شاخص‌های اقتصادی. توسعه عملیات اقتصادی. افزایش بهره‌وری. خودکفایی بومی
	شکوفایی محلی	توسعه پایدار، تقویت خودباوری و خوداتکایی. پایداری از طریق خوداتکایی. ارتقای توان مدیریتی، مالی و اعتباری شبکه تعاون روستایی. توانمندسازی نیروی کار
بازخوردهای مثبت	تجارب موفق اجرا	تأکید بر ارتقای درآمد روستاییان. پیاده‌سازی و اجرای نقشه جامع علمی کشور. سهیل مقررات و گسترش مشوق‌های لازم. تعریف و ارائه الگوهای موفق. توجه آینده‌نگری طرح‌ها و خط‌مش‌ها
	اخلاقی بودن	تاکید بر احترام و همگرایی کارگزاران تعاون روستایی. وجود حسن رابطه بین اعضای تعاون روستایی. تأکید بر تصمیماتی بر پایه نفع رساندن به کشاورزان. تکریم روستائیان و کشاورزان. تکریم محیط زیست
	رفع مشکلات	کاهش دخالت دولت در تعاون. آمادگی در مواجهه با چالش‌ها. تقویت بنیه مالی تعاونیها. اصلاح اساسنامه تعاونی‌های روستایی. طرحی و اجرای سیستم ارزشیابی عملکرد و شرکتهای اتحادیه‌های تعاون. غلبه بر تعدد و تصدی‌گری در تعاون روستایی
بهینه‌سازی اقتصاد روستایی	پویایی مبادلات روستا	کمک به ماندگاری روستائیان در روستاها. محور قرار دادن رشد و بهره‌وری در روستا. رونق گردشگری روستایی. تقویت عوامل تولید. توسعه بازارهای محلی
	مردمی کردن اقتصاد	حذف واسطه‌ها و دلالتان. بازاریابی. به حداکثر رساندن مشارکت آحاد جامعه در فعالیت‌های اقتصادی. تقویت رقابت‌پذیری اقتصاد. امنیت قانون و حفظ حقوق افراد و منافع آنها. در اختیار قرار دادن تسهیلات بانکی برای تعاون روستایی
توسعه منابع	افزایش قابلیت‌های محیطی	بها دادن به تعاون روستایی. خودگردانی تعاون روستاها. به فعلیت درآوردن استعدادهای تعهد و تداوم آن در کارمندان و مجریان. قدرت ظرفیت‌نوآوری. توسعه سیاست‌های اقتصادی مقاومتی
	افزایش امکانات اجرایی	انتشار کتب و نشریات ضروری. افزایش قابلیت‌های تولیدی در روستاها. همکاری و تعامل با موسسات آموزشی. اصلاح الگوی مصرف به سمت مصرف بهینه. موفقیت سیستم تولیدی روستاها. توانمندی اقتصاد روستایی
همسویی منافع عمومی و فردی	همگرایی	ادغام نفع ملی با نفع فردی. حرکت از اقتصاد روستایی به سوی منافع ملی. تعامل سازنده بین گروه‌ها. تعریف اقتصاد محلی به مثابه اقتصاد ملی
	پیوند منافع خرد و کلان	خط‌مشی خوب است که با تغییر یا تثبیت به افراد و سازمان منفعت برساند. پیاده‌سازی منفعت فردی در راستای ارتقای صنعت ملی. همانندی توسعه بومی و توسعه ملی

توسعه روستایی	گسترش امکانات	استفاده از حداکثری منابع و ظرفیت‌های کشور. رسیدن به توسعه پایدار. موفقیت اجرای طرح‌های عمرانی. مهاجرت معکوس از شهر به روستا. آبادی و به قابلیت رساندن زندگی روستایی. پیشرو بودن در تولید
	ارتقای فرهنگی	تقویت فرهنگ کار و تولید. فرهنگ اشتغالزایی. توسعه تکنولوژی‌های تولیدی. به کارگیری فناوری پیشرفته. همکاری و تعامل با دانشگاه‌ها
خودکفایی	تولید نیازهای اساسی	حمایت از تولید داخلی. حمایت از سیاست‌های اقتصاد مقاومتی. افزایش تولید داخلی نهادها و کالاهای اساسی. تأمین امنیت. تأکید بر افزایش کمی و کیفی غذا و درمان
	کاهش واردات	صادرات به جای واردات. فرصت‌سازی بومی. مولد شدن اقتصاد بومی
	اشتغال‌زایی	سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی با رویکرد جهادی. درون‌زایی اشتغال. اشتغال همه اعضای خانواده. توسعه مشاغل کوچک و متوسط. حرکت جهاد گونه اقتصادی
مقوله هسته نهایی		
اجرای موفق خط‌مشی‌گذاری تعاون روستایی در بستر پیش‌بینی ابزارهای اجرا و فرهنگ‌سازی، با درگیر کردن ذی‌نفعان عمومی و مجریان، ضمن تسهیم آنان در مشارکتی همه‌جانبه با استراتژی‌هایی چون بهینه‌سازی اقتصاد و توسعه منابع روستایی همسو و همگرا، به توسعه تعاون روستایی بر پایه توانمندی بومی و خودکفایی منجر می‌شود		

در این مرحله مایه گرفتن مفاهیم از داده‌ها، مشخصه اصلی راهبرد نظریه زمینه‌ای است و به کمک تحلیل مقوله‌ها می‌توان فرایند نظریه‌سازی را تشریح کرد. در مورد نامگذاری مناسب مقوله‌ها، پرسیدن سؤالات برانگیزنده، مقایسه و استنتاج طرحی نو، یکپارچه و واقع‌بینانه از انبوه داده‌های خام و سازمان نیافته، نیاز به خلاقیت ویژه‌ای دارد و با توجه به خلاقیت باید حساسیت نظری راهگشای ادامه کار باشد. حساسیت نظری از خلال تجربه حرفه‌ای، مطالعه متون، تجربه شخصی و روند تحلیل داده‌ها در خلال پژوهش بر حساسیت نظری محقق می‌افزاید. حساسیت نظری از آن جهت مهم است که اساساً پژوهش کیفی و نظریه‌مبنایی در پی معنادار کردن داده‌ها هستند. در ادامه هر یک از مقولات معنادار با توجه به خلاقیت و حساسیت نظری مورد تحلیل و تفسیر قرار گرفته‌اند.

مقوله هسته (مرکزی)

اجرای موفق خط‌مشی‌گذاری تعاون روستایی در بستر پیش‌بینی ابزارهای اجرا و فرهنگ‌سازی، با درگیر کردن ذی‌نفعان عمومی و مجریان، ضمن تسهیم آنان در مشارکتی همه‌جانبه با استراتژی‌هایی چون بهینه‌سازی اقتصاد و توسعه منابع روستایی همسو و همگرا، به

توسعه تعاون روستایی بر پایه توانمندی بومی و خودکفایی منجر می‌شود.

آخرین مرحله کدگذاری مرحله کدگذاری گزینشی است که در آن کدهای به دست آمده در مرحله کدگذاری محوری را در سطحی انتزاعی‌تر ادامه می‌دهد. هدف از این کار، یکپارچه‌سازی و پالایش مقوله‌های کسب شده در مرحله کدگذاری محوری است. در این مرحله است که شکل‌گیری و پیوند هر مقوله با سایر مقوله‌ها شرح داده می‌شود و مقوله هسته نهایی به دست آمده که کل مفاهیم و مقوله‌ها را در بر می‌گیرد. با ترکیب ۱۲ مقوله اصلی پژوهش (پیش‌بینی ابزاری در اجرا، فرهنگ‌سازی، توانمندی بومی، مشارکت فعال، توجیه ذی‌نفعان عمومی، اتکای به خود، بازخوردهای مثبت، بهینه‌سازی اقتصاد روستایی، توسعه منابع، همسویی منافع عمومی و فردی، توسعه روستایی و خودکفایی)، مقوله هسته نهایی در مرحله کدگذاری گزینشی ظهور کرد. با توجه به مقولات عمده و توضیحات فوق می‌توان گفت که مقوله؛ اجرای موفق خط مشی‌گذاری تعاون روستایی در بستر پیش‌بینی ابزارهای اجرا و فرهنگ‌سازی، با درگیر کردن ذی‌نفعان عمومی و مجریان، ضمن تسهیم آنان در مشارکتی همه‌جانبه با استراتژی‌هایی چون بهینه‌سازی اقتصاد و توسعه منابع روستایی همسو و همگرا، به توسعه تعاون روستایی بر پایه توانمندی بومی و خودکفایی منجر می‌شود، می‌تواند همه مباحث اساتید و خبرگان خط‌مش‌گذاری تعاون روستایی راجع به موفقیت اجرایی خط‌مش‌گذاری تعاون روستایی را تحت پوشش قرار دهد و نیز جنبه تحلیلی داشته باشد. بر اساس مقوله هسته نهایی که خود برگرفته و انتزاع شده از سایر مقولات عمده ارایه شده است، اساتید و خبرگان خط‌مش‌گذاری تعاون روستایی در کل کشور در تجربه زیست خود شرایط علی، بستر و پیامدهای اجرای موفق خط‌مش‌گذاری تعاون روستایی در راستای اقتصاد مقاومتی را تجربه، درک و یا تصور می‌کنند. آنها در شرایط و بستر تعاملی خاصی اجرای موفق خط‌مشی تعاون روستایی را تبیین کرده‌اند که اگر این شرایط در هر روستا و تشکی تعاونی مهیا شود، انتظار موفقیت آمیز اجرای خط‌مش‌ها، انتظار معقولی خواهد بود.

اساتید و خبرگان خط‌مش‌گذاری تعاون روستایی کشور به عنوان کارگزاران و مجریان برنامه‌ریزی‌های خرد و کلان مدیریت روستایی و تعاونی هستند که در موارد متعددی خود در موارد مدیریتی و اجرای استراتژیک آنها سهیم هستند. از این رو آنان تشخیص دقیقی از

کارآمدی و اثرگذاری متغیرهای موثر بر اجرای موفق خط‌مش‌ها دارند. همانطور که از متن مصاحبه‌ها مشخص است، اجرای موفق خط‌مش‌گذاری تعاون روستایی برای اقتصاد کل کشور بسیار حساس و کارآمد است و از این رو الگوهای بومی برای تبیین وضعیت اجرای صحیح این خط‌مش‌ها نیز کارآمدتر خواهند بود.

ترسیم مدل پارادایمی

در مجموع یافته‌های پژوهش حاضر نشان دادند که اجرای موفق خط‌مش‌های تعاون روستایی بر پایه اقتصاد مقاومتی در مناطق مختلف در شرایطی مختلفی اتفاق می‌افتد. اساتید و خبرگان خط‌مش‌گذاری تعاون روستایی در کشور رویکردهای متفاوتی را در راستای اجرای موفق خط‌مشی‌گذاری تعاون روستایی در راستای اقتصاد مقاومتی بیان کرده‌اند. همه آنها در این مساله که اجرای موفق خط‌مشی‌ها ممکن است، اتفاق نظر دارند، اما هر کدام از رویکردی متفاوت به این مقوله نگاه کرده‌اند و پاسخ‌های متفاوتی به سوال اصلی پژوهش داده‌اند. در یک رویکردی کلی می‌توان همه یافته‌ها را می‌توان در یک مدل پارادایمی برای فهم بهتر ترسیم کرد. همانگونه که در شکل شماره ۱- مشاهده می‌شود، این مدل دارای بخش‌های؛ شرایط علی، پدیده، بستر، شرایط مداخله‌گر، استراتژی و پیامد است.

پدیده مرکزی این مدل، اجرای موفق خط‌مش‌های تعاون روستایی در راستای اقتصاد مقاومتی است که محور سوالات مصاحبه کیفی و اطلاعات نظری و مفهومی اساتید و خبرگان خط‌مش‌گذاری تعاون روستایی کشور است. همچنین در این مدل شرایط علی شامل دو مولفه توجیه ذی‌نفعان عمومی اجرای خط‌مشی‌ها و اتکای به خود است. توجیه ذی‌نفعان عمومی اجرای خط‌مشی‌ها شامل دو خرده مقوله شفافیت منافع عمومی و مقبولیت ابزاری است که این مقوله می‌توانند توجیه بالایی در افزایش آگاهی عمومی در اجرای خط‌مش‌های تعاون روستایی با برگزاری دوره‌های آموزشی عمومی و آگاهی بخشی از اجرای موفق خط‌مشی‌ها را داراست.

در مورد مقوله اتکای به خود این شرایط برای عموم مردم باید توجیه شود که اجرای موفق خط‌مش‌های تعاون روستایی در راستای اقتصاد مقاومتی به خودکفایی مردم منجر خواهد شد.

شرایط علی در مدل پارادایمی پژوهش دارای اثرگذاری چندگانه‌ای است که می‌تواند علت مستقیم و غیرمستقیم اجرای موفق خط‌مش‌گذاری تعاون روستایی است. برای مثال شرایط علی با اثرگذاری مستقیم خود بر اجرای خط‌مش‌گذاری تعاون روستایی می‌تواند موفقیت اجرای این خط‌مش‌ها را تضمین کند. همچنین شرایط علی (توجه ذی‌نفعان عمومی اجرای خط‌مش‌ها و اتکای به خود) می‌تواند اثر مستقیمی بر بسترهای (پیش‌بینی ابزاری و فرهنگ‌سازی) اجرای موفق خط‌مش‌ها داشته باشد. علاوه بر آن شرایط علی هم بر استراتژی‌ها (بهینه‌سازی اقتصاد روستایی، توسعه منابع و همسویی منافع عمومی و فردی) و هم بر پیامدها (توانمندی بومی، توسعه روستایی و خودکفایی) اثر مستقیمی دارد.

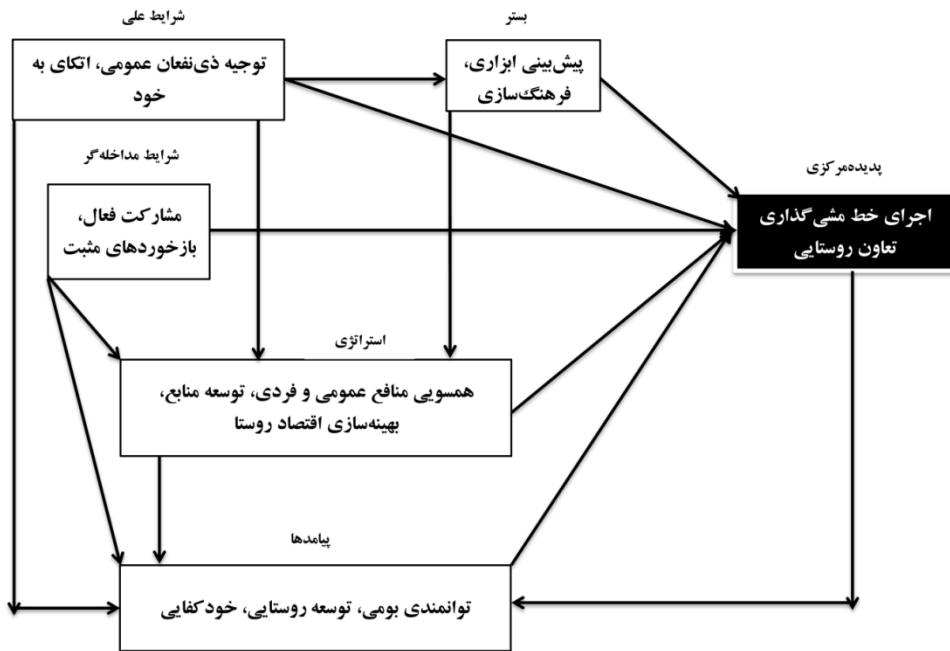
علاوه بر شرایط علی در مدل پارادایمی نقش بسترهای موجود در اجرای موفق خط‌مش‌های تعاون روستایی مهم است و اساساً باید دید که اجرای موفق خط‌مش‌ها در چه بستری رخ می‌دهد. بر مبنای یافته‌های کیفی حاصل از مصاحبه‌های پژوهش پیش‌بینی ابزاری با دو خرده مقوله سهولت اجرایی و وجود امکانات و زیرساخت؛ و فرهنگ‌سازی با سه خرده مقوله توسعه خواهی همگانی، همسویی با بستر فرهنگی و توسعه فرهنگ تعاون اثر مستقیمی بر اجرای موفق خط‌مش‌های تعاون روستایی بر مبنای اقتصاد مقاومتی دارند. بسترها علاوه بر اثر مستقیم بر اجرای خط‌مش‌ها بر استراتژی‌های اجرایی نیز اثر دارند.

از دیگر مولفه‌هایی که از آن به عنوان شرایط مداخله‌گر یاد می‌شود، مشارکت فعال و بازخوردهای مثبت است که می‌تواند اثر شتاب‌دهنده یا بازدارنده بر اجرای موفق خط‌مش‌های تعاون روستایی در راستای اقتصاد مقاومتی دارد. مشارکت فعال دارای دو بعد درگیری ذهنی و عاطفی و جلب همکاری فعال است که این دو مقوله از ترکیب تعداد زیادی گزاره معنادار مرتبط با مشارکت و مشارکت‌جویی افراد حاصل شده است و بازخوردهای مثبت نیز به عنوان دیگر مولفه مهم شرایط مداخله‌گر از سه خرده مقوله تجارب موفق اجرا، اخلاقی بودن و رفع مشکلات تشکیل شده است.

اما بخش مهم این مدل پارادایمی که نقش مهمی در اجرای موفق خط‌مش‌های تعاون روستایی در راستای اقتصاد مقاومتی دارد استراتژی‌هایی برای اجرای موفق خط‌مش‌هاست. آنچه از هسته برخی مصاحبه‌ها بیرون می‌آید، راهبردها یا استراتژی‌هایی برای اجرای موفق

خط‌مشی‌های تعاون روستایی در راستای اقتصاد مقاومتی در بین اساتید و خبرگان خط‌مشی‌گذاری تعاون روستایی کشور است. مهمترین استراتژی‌ها برای اجرای موفق خط‌مشی‌های تعاون روستایی در راستای اقتصاد مقاومتی شامل؛ بهینه‌سازی اقتصاد روستایی، توسعه منابع و همسویی منافع عمومی و فردی است. این سه استراتژی مهم دو نقش عمده در مدل پارادایمی دارند. نخست به طور مستقیمی بر اجرای موفق خط‌مشی‌های تعاون روستایی اثر دارند و علاوه بر آن بر پیامدهایی منجر می‌شود که شامل توانمندی بومی، توسعه روستایی و خودکفایی است. در نهایت این استراتژی‌ها به دستیابی به سیاست‌های اقتصاد مقاومتی منجر می‌شوند. در متون مدیریتی استراتژی مهمترین ابزار الگوهاست و در همین مدل نیز همسویی منافع عمومی و فردی یکی از مهمترین استراتژی‌ها برای اجرای موفق خط‌مشی‌هاست. بر این اساس اگر سطح فرهنگ جامعه روستایی به درجه‌ای برسد که در آن منافع افراد با منافع ملی گره بخورد، آن وقت اجرای سیاست‌های تعاون مبتنی بر اقتصاد مقاومتی به صورت تضمینی اجرا می‌شود.

در نهایت مدل پارادایمی پژوهش باید دارای پیامدهایی در راستای پدیده مرکزی پژوهش باشد. مهمترین پیامدهای مورد انتظار در تبیین اجرای موفق خط‌مشی‌های تعاون روستایی در راستای اقتصاد مقاومتی، توانمندی بومی با خرده مقولات تولید بومی و سودآوری عمومی یکی از مهمترین پیامدهاست. هرچند این پیامد خود فی نفسه مطلوب است، اما بر اجرای موفق سیاست‌های تعاون مبتنی بر اقتصاد مقاومتی اثر مستقیمی دارد. از دیگر پیامدها می‌توان به توسعه روستایی اشاره کرد. توسعه روستایی شامل گسترش امکانات و ارتقای فرهنگی است. توسعه روستایی نیز به مانند توانمندی بومی هم نتیجه و هم علت است. توسعه روستایی هرچند هدف همه خط‌مشی‌های توسعه روستایی است، اما خود توسعه روستایی باعث اجرای موفق خط‌مشی‌های تعاون روستایی در راستای اقتصاد مقاومتی می‌شود. علاوه بر توسعه روستایی خودکفایی نیز دارای چنین وضعیتی است.



شکل ۱- مدل پارادایمی پژوهش

نتیجه گیری و جمع بندی

خط مشی گذاری به عنوان یک اصل راهبردی در امورات کشورداری بحث غالب همه سازمان ها بزرگ و کوچک، دولتی و خصوصی بوده است. امروزه با توجه به گسترش فعالیت ها، تصدی، افزایش حجم و نقش دولت در امور اقتصادی و اجتماعی و عدم رشد بخش خصوصی در چند دهه گذشته بیش از هر چیزی دیگر بیان کننده ناکامی و عدم توفیق خط مشی گذاری عمومی در ایران بوده است. ناگفته پیداست که هرچند در تدوین خط مشی ها چالش های کمتری وجود دارد، اما در مراحل اجرای خط مشی ها عمدتاً مسایل و مشکلات جدی ای وجود دارد. همچنین امروزه بسیاری از حوزه های مدیریتی کشور در ارتباط با اجرای خط مشی های موجود مشکل اساسی وجود و در بسیاری از موارد شکست برنامه ها و سیاست های تدوین شده بسیار چشمگیر است. از آنجایی که اجرا در مراحل آخر فرآیند خط مشی گذاری قرار دارد، معمولاً مورد غفلت واقع شده و یا با کم توجهی مواجه می شود. در

اجرای خط‌مشی یا قانون، موانع و عوامل متعددی وجود دارند که بدون در نظر گرفتن آنها تحقق قانون میسر نمی‌شود. بر همین اساس می‌توان گفت که اجرای ناقص خط‌مشی‌های عمومی از مشکلاتی است که تمامی کشورها، هم پیشرفته و هم در حال توسعه، با آن مواجه هستند و بر همین مینا در هر سیستم و نظام اجتماعی خط‌مشی‌های زیادی وجود دارد که اجرای آنها، نقش مهمی در رضایت عمومی و دستیابی به اهداف نظام اجتماعی ایفا می‌کند. یکی از حوزه‌های مهم نظام اجتماعی تعاون است. تعاون در مفهوم خاص خود نوعی همکاری و مشارکت افراد برای ایجاد سازمانی اقتصادی با قبول اصولی است که سوداگری و بهره‌کشی از افراد را طرد می‌کند. هدف تعاون جمع‌ارزش‌های اخلاقی همراه با اهداف اقتصادی و اجتماعی و رفع نیازهای مشترک افراد است. بنابراین شبکه‌تعاونی‌های روستای در قالب شبکه‌ای بسیار قوی و نیرومند با گستردگی قابل توجه و مشارکت قشر عظیم روستائیان تشکیل شده و به عنوان یک نهاد خدماتی دارای اهمیت است. تعاونی‌های روستایی به عنوان یک واقعیت انکارناپذیر در طول دو قرن گذشته حضور چشمگیر خود را در تمامی صحنه‌های اقتصادی-اجتماعی حفظ کرده‌اند. خط‌مشی‌های تعاون روستایی در ۳۶ ماده قانونی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به عنوان سیاست‌های کلی تعاون روستایی گنجانده شده‌اند که اجرای کامل و دقیق آن به منزله دستیابی مناطق روستایی به توسعه و برابری خواهد بود. بر همین اساس مساله اصلی این نکته است که بعد از گذشت دهه‌ها از تدوین خط‌مشی‌های کلی تعاون روستایی، اما وضعیت روستاها و تعاون‌های روستایی بهبودی نداشته است و هنوز توفیقی در اجرای خط‌مشی‌های تعاون روستایی حاصل نشده است. بنابراین کشور با وجود داشتن تعداد زیادی تعاونی به ویژه در حوزه تعاون روستایی، هنوز شاهد توسعه‌ای فراخور نبوده است و به نظر می‌رسد که اجرای این خط‌مشی‌ها عملاً با مشکل مواجه بوده و چشم‌اندازها و اهداف تعاون روستایی به خوبی محقق نشده است. در همین راستا این مساله ضروری به نظر می‌رسد که الگویی کارآمد برای اجرای موفق خط‌مشی‌گذاری تعاون روستایی در راستای اقتصاد مقاومتی تدوین شود، تا از طریق این الگو بتوان اجرای بهتر خط‌مشی‌گذاری‌های تعاون روستایی را در کشور عملیاتی کرد. در همین راستا این پژوهش با هدف کشف برساخت‌های شخصی اساتید و خبرگان خط‌مشی‌گذاری تعاون روستایی از اجرای خط‌مشی‌های تعاون

روستایی در راستای اقتصاد مقاومتی طراحی شد و نتایج بر اساس سه مرحله کدگذاری با بیش از ۱۳۱ مفهوم و ۲۷ مقوله فرعی و ۱۲ مقوله اصلی و یک مقوله هسته به دست آمد. ۱۲ مقوله به دست آمده شامل؛ پیش‌بینی ابزاری در اجرا، فرهنگ‌سازی، توانمندی بومی، مشارکت فعال، توجه ذی‌نفعان عمومی، اتکای به خود، بازخوردهای مثبت، بهینه‌سازی اقتصاد روستایی، توسعه منابع، همسویی منافع عمومی و فردی، توسعه روستایی و خودکفایی است که با انتزاع بیشتر این مقولات در مرحله کدگذاری گزینشی، یک مقوله هسته به نام «اجرای موفق خط مشی‌گذاری تعاون روستایی در بستر پیش‌بینی ابزارهای اجرا و فرهنگ‌سازی، با درگیر کردن ذی‌نفعان عمومی و مجریان، ضمن تسهیم آنان در مشارکتی همه‌جانبه با استراتژی‌هایی چون بهینه‌سازی اقتصاد و توسعه منابع روستایی همسو و همگرا، به توسعه تعاون روستایی بر پایه توانمندی بومی و خودکفایی منجر می‌شود» ظاهر شد که می‌تواند تمامی مقولات دیگر را تحت پوشش قرار بدهد.

منابع

۱. ابراهیم‌بای سلامی، غلامحیدر. (۱۳۸۶). مهندسی فرهنگی و سیاست‌گذاری عمومی در ایران، مجموعه مقالات اولین همایش ملی مهندسی فرهنگی، ۲۱ دی ماه ۱۳۸۵، جلد چهارم، مقالات بخش مطالعات راهبردی مدیریت فرهنگی و سند چشم‌انداز، شورای عالی انقلاب فرهنگی.
۲. الوانی، سید مهدی (۱۳۸۲). خط مشی دانش آفرین، ضرورت بقاء در سازمان‌های امروز فصلنامه مجلس و پژوهش، (ویژه نامه آموزش عالی)، شماره ۴۱.
۳. الوانی، سید مهدی و شریف زاده، فتاح. (۱۳۸۶). فرایند خط مشی‌گذاری عمومی، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
۴. الوانی، سید مهدی. (۱۳۸۷). خط‌مشی عمومی و اجرا، فصلنامه حقوق و مصلحت، سال اول، شماره ۱، پاییز ۱۳۸۷.
۵. پورعزت، علی اصغر؛ الوانی، سید مهدی. (۱۳۸۳). مبانی منطقی طراحی سیستم خط مشی‌گذاری دولتی برای تحقق عدالت حق مدار (براساس نهج البلاغه)، دانشور رفتار، تیر

- ۱۳۸۳، دوره ۱۱، شماره ۵ (ویژه مقالات مدیریت ۲)، از صفحه ۱۱ تا صفحه ۳۸.
۶. تسلیمی، محمدسعید. (۱۳۹۴). تحلیل فرایندی خط‌مشی‌گذاری و تصمیم‌گیری، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.
۷. جلالپور، محسن. (۱۳۹۵). ضرورت بازنگری در قوانین اقتصادی مجلس، ماهنامه فرهنگ و تعاون، شماره ۹۷
۸. خسروی، محمود. (۱۳۹۵). نقش تعاونی در توسعه پایدار، ماهنامه فرهنگ و تعاون، شماره ۹۷
۹. دانایی‌فرد، حسن؛ ثقفی، عمادالدین؛ مشبکی اصفهانی، اصغر. (۱۳۸۹). اجرای خط‌مشی عمومی: بررسی نقش عقلانیت در مرحله تدوین خط‌مشی، پژوهش‌های مدیریت در ایران (مدرس علوم انسانی)، زمستان ۱۳۸۹، دوره ۱۴، شماره ۴ (پیاپی ۶۹)، از صفحه ۷۹ تا صفحه ۱۰۶.
۱۰. دانشفرد، کرم‌الله. (۱۳۹۳). موانع اجرای خط‌مشی‌های عمومی در سازمانهای غیردولتی (بخش خدمات پلیس +۱۰ و دفاتر خدمات پیشخوان دولت)، فصلنامه علمی-پژوهشی مدیریت منابع در نیروی انتظامی، سال دوم، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۳، از صفحه ۲۳ تا ۵۰.
۱۱. رجب بیگی، مجتبی. (۱۳۹۵). موانع دستیابی به اجرای کامل خط‌مشی‌های عمومی، فرایند مدیریت و توسعه، پاییز و زمستان ۱۳۷۸. ۷۳ تا ۸۴.
۱۲. طاهرپور کلانتری، حبیب‌الله؛ معمارزاده طهران، غلامرضا. (۱۳۸۷). عوامل موثر بر اجرای موفق خط‌مشی‌های مالیاتی مصوب مجلس، پژوهشنامه اقتصادی، زمستان ۱۳۸۷، شماره ۴ (ویژه نامه طرح تعدیل اقتصادی)، صص ۴۵ تا ۶۸.
۱۳. عباسی، عباس؛ معتضدیان، رسول؛ میرزایی، محمدقاسم. (۱۳۹۵). بررسی موانع اجرای خط‌مشی‌های عمومی در سازمان‌های دولتی، پژوهش‌های مدیریت منابع سازمانی، سال ششم، تابستان ۱۳۹۵، شماره ۲، ۴۹-۶۹.
۱۴. عبدالهی، بهمن. (۱۳۹۵). مردمی کردن اقتصاد، ماهنامه فرهنگ و تعاون، شماره ۹۷
۱۵. قلی‌پور، رحمت‌الله (۱۳۸۷)، تصمیم‌گیری سازمانی و فرایند خط‌مشی‌گذاری عمومی انتشارات سمت.

۱۶. معمارزاده طهران، غلامرضا؛ میرسیاسی، ناصر؛ جلیلی، سودابه. (۱۳۹۰). ارائه مدل برای ارزیابی اثربخشی اجرای خط مشی های عمومی جمهوری اسلامی ایران در حوزه بهداشت و درمان، رسالت مدیریت دولتی (مدیریت دولتی)، زمستان ۱۳۹۰؛ دوره ۲، شماره ۴؛ از صفحه ۱۹ تا صفحه ۳۱.
۱۷. نجف بیگی، رضا. (۱۳۸۹). خط مشی گذاری مدیریت فرهنگی در آموزش، نشریه برگ فرهنگ، پاییز و زمستان ۱۳۸۹، دوره جدید، شماره ۲۲، از صفحه ۱۰۶ تا صفحه ۱۱۷.
۱۸. نکویی نائینی سید علی، قنبری یوسف، برقی حمید، علی زاده نادر. (۱۳۹۵). بررسی تأثیر مشارکت اجتماعی جامعه روستایی بر موفقیت تعاونی های تولید روستایی: مطالعه موردی شهرستان اصفهان. ۱؛ ۱۹ (۳): ۱۲۱-۱۳۸
۱۹. همتی راد، فرزانه. (۱۳۹۳). اصول و اندیشه های تعاونی، ویراستار علمی: بهزاد حکیمی نیا، ناشر: دانشگاه پیام نور.
۲۰. وحید، مجید (۱۳۸۰). درامدی بر سیاستگذاری عمومی، فصلنامه دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۵۲.
۲۱. وحید، مجید (۱۳۸۵). دموکراسی در ائینه سیاستگذاری عمومی. فصلنامه فرهنگ اندیشه، شماره ۱۸.
22. Brewer, Gand; Deleon, p. (1992). The foundations of policy Analysis. Horrwood: Dorsey.
23. Chris McLaughlin, Gail Krantzberg. (2011). An appraisal of policy implementation deficits in the Great Lakes, Journal of Great Lakes Research, Volume 37, Issue 2, June 2011, Pages 390-396.
24. Ewalt, J.G. (2001). theories of governance and new public management: Links to understanding welfare policy implementation, prepared for presentation at the Annual conference of the American society for public Administration, March 12, 2001
25. Gelders, Dave. (2005). Public information problems in the implementation of public policy: The long road of the reflecting license plate in Belgium, Government Information Quarterly, Volume 22, Issue 3, , Pages 374-388.
26. Hill. M, Hupe.p.L. (2002). Implementing public policy; Governance in Theory and in practices (SAGE politics Texts series), publisher. Sage publications Ltd.
27. Howlett, M. and M. Ramesh (2003). Studying Public Policy: Policy Cycles and Policy Subsystems, Toronto, Oxford University Press.

28. Huang, Grant D. Altemose, Jane., O'Leary, Timothy J. (2017). Public access to clinical trials: Lessons from an organizational implementation of policy, *Contemporary Clinical Trials*, In Press, Accepted Manuscript, Available online 13 April 2017.
29. Jansson, Elisabeth. Fosse, Elisabeth. Tillgren, Per. (2011). National public health policy in a local context—Implementation in two Swedish municipalities, *Health Policy*, Volume 103, Issues 2–3, December 2011, Pages 219-227
30. Kenbeek, Seth D. Christopher Bone, Cassandra Moseley, (2016). A network modeling approach to policy implementation in natural resource management agencies, *Computers, Environment and Urban Systems*, Volume 57, May 2016, Pages 155–177.
31. Mankins, Michael C. and Steele, Richard. (2005). Turning Great Strategy into Great Performance, *HBR's 10 Must Reads on Strategy*, Strategy and Execution Book
32. Moseley, C. & Charnley. (2014). Understanding micro-processes of institutionalization: stewardship contracting and national forest management, *Policy Sciences*, March 2014, Volume 47, Issue 1, pp 69–98.
33. Ranerup, Agneta. (2007). Decision Support Systems for Public Policy Implementation; The Case of Pension Reform, *Social Science Computer Review*, vol. 26, 4: pp. 428-445. , First Published December 18, 2007.
34. Sheikh, Kabir. Porter, John. (2010). Discursive gaps in the implementation of public health policy guidelines in India: The case of HIV testing, *Social Science & Medicine*, Volume 71, Issue 11, December 2010, Pages 2005-2013.
35. Snyder, C. Molaison, E.F. Kolbo, J.R. Zhang, L. Harbaugh, B. Hudson G. (2012). Evaluating the Effects of Public Policy Implementation on Foods Offered in Mississippi Public Schools, *Journal of the Academy of Nutrition and Dietetics*, Volume 112, Issue 9, Supplement, September 2012, Pages A80.
36. Tummers, Lars. (2011). Explaining the willingness of public professionals to implement new policies: a policy alienation framework, *International Review of Administrative Sciences*, vol. 77, 3: pp. 555-581. , First Published September 12,.
37. Wu, Jing; Zuidema, Christian; Gugerell, Katharina; Gert de Roo. (2017). Mind the gap! Barriers and implementation deficiencies of energy policies at the local scale in urban China, *Energy Policy*, Volume 106, July 2017, Pages 201-211.

